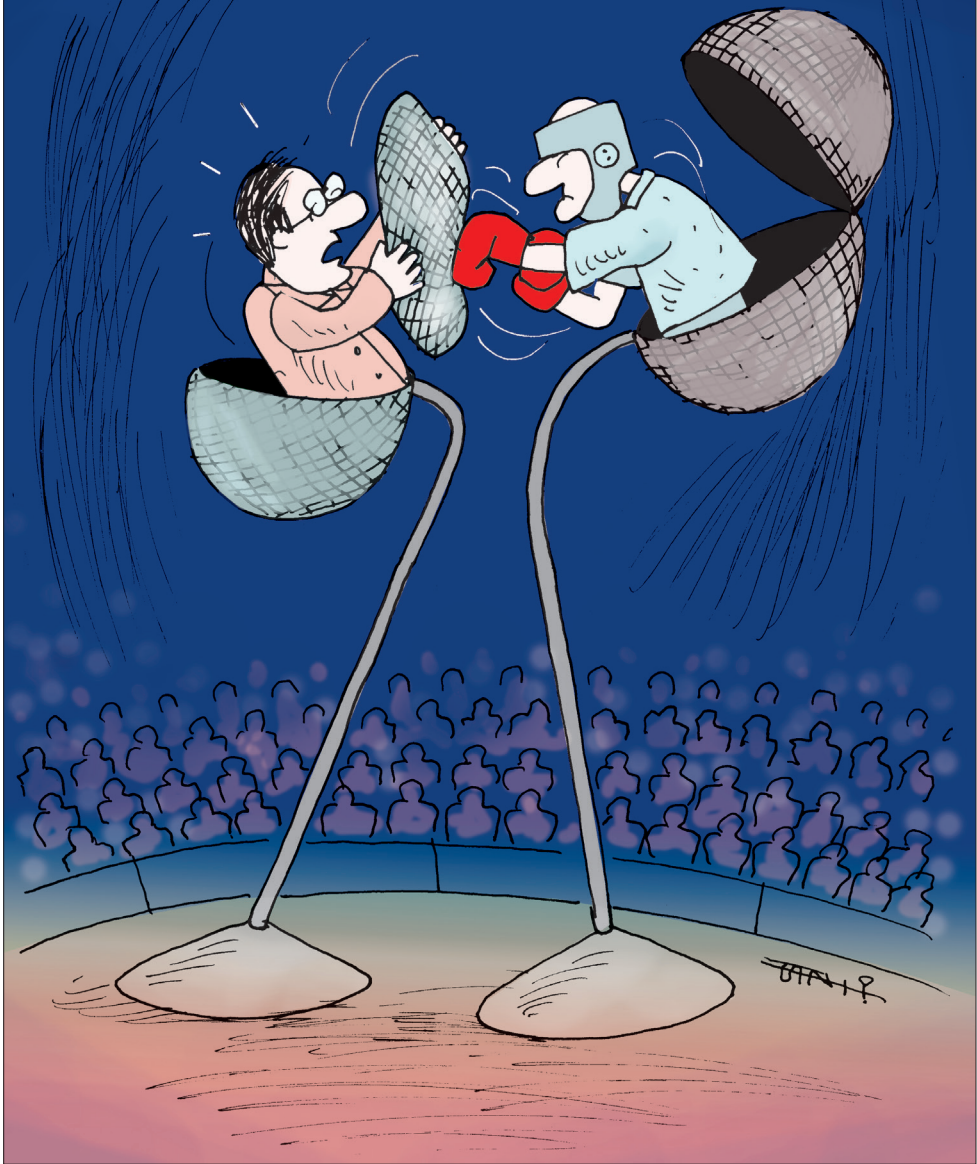




شوخی عراقچی با مذاکرات: فعلا بزن بزن است!



نگاه اصلاح طلب

فضلی در این انتصاب نیست

درباره سپردن سفارت ایران در چین به عبدالرضا رحمانی فضلی



عباس موسایی

فعال سیاسی اصلاح طلب

علی‌رغم مخالفت‌های گسترده حامیان دکتر پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری و مهم‌تر از آن با وجود شایستگان و برجستگان نخبه ودغدغه‌مندان منافع ومصالح ملی که حضورشان در سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران در جمهوری خلق چین می‌توانست در راستای منافع ومصالح ملی باشد؛ آقای عبدالرضا رحمانی فضلی، به‌عنوان سفیر دولت وفاقی ملی در این کشور، منصوب شد. این انتصاب، از طرفی نشان‌دهنده تداوم واستمرار و غلبه منطق جریانات بر منطق منافع ومصالح ملی است و از سویی، نشان‌دهنده آن است که دولت چهاردهم نتوانسته است خود را از چنبره این موثران بر سیاست، تصمیم‌گیران وتصمیم‌سازان محفلی وجریانات ضدمنافع ومصالح ملی، بیرون آورد. دکتر پزشکیان، قرار بود زمینه به‌کارگیری نخبگان و کارشناسان را فراهم آورد و بارها وعده داد که به کار کارشناسی معتقد است. نسبت این انتصاب با فهم و تخصص و پیشینه وتجارب آقای رحمانی فضلی چیست؟

ایشان بارها بر اهمیت گفت‌وگو با طیف وسیعی از شهروندان ایرانی که در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم شرکت نکردند و نسبت به برخی رخدادها، تصمیمات وموانع معترض بودند، تأکید کرده بود. آقای رحمانی فضلی اتفاقاً یکی از کسانی است که اقدامات وعملکرد و رفتار و گفتارش، در حوزه‌های سیاسی وامنیتی در دولت «دبیر و امید» در اضمحلال سرمایه اجتماعی، استحاله گفتمان برسازنده دولت روحانی، شکاف بین دولت وحامیان، ضدیت با کارهای سیاسی اصلاح‌طلب و ملی، نقشی غیر قابل کتمان دارد. ازاین‌رو، انتصاب ایشان را می‌توان اقدامی غیر وفاقی ولج‌بازی با کسانی دانست که روزی به امید اصلاح از درون، در پای صندوق‌های رأی حاضر می‌شدند و اقدامات امثال رحمانی فضلی، آنها را نسبت به تأثیرگذاری این مهم، مردد کرد.

از طرفی، پزشکیان بارها در سخنانش در مناظرات ومصاحبه‌ها و... می‌گفت که نمی‌خواهد «دولت سوم روحانی» باشد. این در حالی است که مردم با سیاست‌خارجه دولت روحانی ووزیر خارجه ایشان مشکلی نداشتند. آنچه مردم را از دولت روحانی نگران کرده بود، عدم صداقت در گفتار و رفتار برخی از متولیان امر و سخنان نابهنگام و اقدامات نادرست امثال رحمانی فضلی بود. حتی شخص آقای دکتر روحانی از اقدامات برخی دولتمردان خود، چنان به ستوه آمد که می‌گفت: «گویا دولتمردان روزه سکوت گرفته‌اند». مخلص کلام آنکه، پرسیدنی است که کدام مصلحت ملی و کدام روایت و چه منطقی از وفاقی ملی، متولی تبدیل اعتدال به انفعال در سیاست داخله دولت روحانی را در ساختمان سفارت -ایران در جمهوری خلق چین، مستقر می‌سازد؟ بگذریم از اینکه سیاست داخله دولت وفاقی ملی نیز در ید اختیار یاران رحمانی فضلی در حال اضمحلال سیاست اصلاحی است!

بسیاری از جوانانی که علیرغم همه بی‌مهری‌ها وزخم‌زبان‌ها، همچنان با امید به اصلاح از درون، صندوق رأی را برگزیدند و با اشراف به پیامدهای رادیکالیسم کور وخشنی که انفعال وسرمایه‌سوزی امثال رحمانی فضلی در شکل‌گیری وپیشروی آن، نقشی اساسی داشته‌اند؛ نسبت به برخی اقوال واعمال دولتمردان، از جمله این انتصاب نایجا، احساس خوبی ندارند ونسبت به استحاله وفاقی ملی هشدار می‌دهند. کافی است همین یک فقره از اقدامات دولت محترم را به نظرخواهی از فعالان سیاسی، حامیان ستادی،نخبگان چین‌شناس ومتخصصان سیاست خارجی بگذارید و با یک نظرسنجی توسط یک موسسه معتبر، انجام شود و نتیجه آن را مورد واکاوی قرار دهید. احتمالاً پاسخ خواهیم گرفت که: «آنچه در حال سوختن است، چیزی است که امید به اصلاح از درون می‌نامدش». به قول هوشنگ ابتهاج: «یک دم نگاه کن که چه بر باد می‌دهی/چندین هزار امید بنی‌آدم است این.» واین امیدبرآدادن‌ها، برای کشور /ملت وحتی نظام حکمرانی بسی خطرناک است. پهنه امکان وفاقی، به جای گسترش و وسعت‌بخشی، هر لحظه تنگ‌تر می‌شود. قبل از آنکه دولت وفاقی ملی با این اقدامات سرمایه‌سوز، به بحران‌های ناکارآمدی ومشروعیت‌دچار شود وفرا تر از آن، انگاره اصلاح از درون با چالش مواجه گردد؛ جا دارد رئیس‌جمهور نسبت به برخی تصمیمات واقدامات وبیانات تجدیدنظر کنند و روح زنده وپویای وفاقی که مبتنی بر امر سیاسی ملی است را در کالبد دولت بدمند.



غربی وشرقی بودوالبنه ایران نیز همواره تلاش کرد با اعتمادسازی، ضمن حفظ حق وتاسیسات خود، موانع را از سر راه بردارد. تجربه این موضوع نیز در مذاکرات برجام وجود دارد. وزیر امور خارجه بر این موضوع نیز تأکید کرد که تاسیسات و برنامه هسته‌ای ایران وارداتی نیست که بخواهند آن را جمع‌آوری کنند.

عراقچی در بخش دیگری از گفت‌وگوی ویژه خبری، در پاسخ به سوالی راجع به موضوع غنی‌سازی اظهار داشت: «طرف آمریکایی همانطور که خودشان گفتند در مصاحبه‌ها و گفته‌هایشان اصولاً به غنی‌سازی در ایران اعتقادی ندارند و معتقد هستند غنی‌سازی باید به‌طور کامل متوقف شود. اگر این هدف‌شان است توافقی در کار نخواهد بود. من این را به صراحت عرض می‌کنم اگر بخواهند حق مردم ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را از ما بگیرند، به‌هیچ‌وجه توافقی نخواهیم داشت اما اگر هدف‌شان آن طور که بارها گفته‌اند و رئیس‌جمهور آمریکا هم بارها تکرار کرده، این است که مطمئن شوند ایران به سمت سلاح هسته‌ای نمی‌رود، این هدف قابل تحقق است. چون ما اصولاً دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. بار قبل هم که مذاکره می‌کردیم - در دولت اوباما - با همین وضعیت مواجه بودیم. تا ماه‌ها آنها در مقابل غنی‌سازی مقاومت می‌کردند و ما هم مقاومت کردیم تا زمانی که پذیرفتند غنی‌سازی ادامه پیدا کند، حتی وقتی که پذیرفتند به صورت مثلاً دکوری پذیرفته بودند. می‌گفتند خیلی خوب غنی‌سازی داشته باشید ولی مثلاً یک زنجیره سانتریفیوژ، یک جایی باشد برای خودش غنی‌سازی کند که شما بگویید ما هم غنی‌سازی داریم ولی در حد نمایش، در حد سمبولیک. آن موقع ما با این هم مخالفت کردیم و ماه‌ها شاید در همین موضوع بحث می‌کردیم که ما دنبال غنی‌سازی دکوری نیستیم، دنبال غنی‌سازی صنعتی هستیم و این یک صنعت است برای خودش و ما به تکنولوژی‌اش رسیدیم. تجهیزاتش را فراهم کردیم، تاسیساتش را داریم و می‌خواهیم در حد صنعتی محقق شود که بعد از ماه‌ها این را قبول کردند.» عراقچی تأکید کرد: «اینکه در ابتدای مذاکره طرف مقابل ادعاهای زیاده‌خواهانه‌ای داشته باشد از نظر من خیلی غیر معمول نیست بالاخره از اینجا شروع می‌کنند، آمریکایی‌ها هم معروف هستند به اینکه همواره زیاده‌خواهی می‌کنند ولی مادر مقابل زیاده‌خواهی‌ها تا الان ایستادگی کردیم و کماکان ایستادگی خواهیم کرد.»

➤ خودداری از ساخت سلاح

وزیر امور خارجه با اشاره به ادعای طرف‌های آمریکایی مبنی بر اینکه غنی‌سازی مقدمه‌ای بر تسلیحاتی کردن برنامه هسته‌ای است، گفت: «این منطق از اساس غلط است، اگر این طور است به یک کارگاه چاقو‌سازی نباید اجازه دهید چون ممکن است از این چاقو استفاده خلاف شود. اگر نیت ساخت سلاح هسته‌ای داشتیم تا حالا انجام می‌دادیم چون توانایی داریم ولی اراده نداریم به دلیل اینکه فتوای مقام معظم رهبری وجود دارد. در دکتربین‌های امنیتی ودکترین‌های هسته‌ای جایگاهی برای سلاح هسته‌ای قابل نیستیم به دلیل بحث‌های ژئوپلیتیک که بحث‌های خودش را دارد اما در عمل ثابت کردیم به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، برای غنی‌سازی ما را تحریم کردند و سال‌ها تحریم را تحمل کردیم ولی به سمت سلاح نرفتیم و به شورای امنیت کشاندند. تحت فصل هفت قطعنامه صادر کردند ولی ما به سمت سلاح هسته‌ای نرفتیم ودانشمندان ما را ترور کردند و در مراکز تاسیسات هسته‌ای خرابکاری کردند و انفجار صورت دادند ولی به سمت سلاح نرفتیم ومذاکره کردیم برای اینکه حق خودمان را برای استفاده صلح‌آمیز تثبیت کنیم.»

او ادامه داد: «در مذاکره به توافق رسیدیم و از آن توافق خارج شدند و تحریم‌های خودشان را مجدد تحمیل کردند و به سراغ سلاح هسته‌ای نرفتیم. ما سابقه روشنی داریم که سیاست‌هایمان مبتنی بر اصول ومبانی است که برای ما کاملاً پذیرفته شده و سلاح هسته‌ای در دکتربین‌های امنیتی ما هیچ جایگاهی ندارد. اگر بگویند شما غنی‌سازی نداشته باشید چون ممکن است یک روزی سمت سلاح بروید، این در سابقه ما کاملاً ثابت شده وحسن‌نیت‌مان را نشان دادیم و اگر ما از حق خودمان یا حق نسل‌های آتی بگذریم که یک نفر یا دونفر در فلان جا تردید داشته باشند که ما ممکن است چکار کنیم؛ این پذیرفتنی نیست.»

می‌بینم، چنین اراده‌ای وجود ندارد. واقعیت امر این است که ما قرار نیست منافع مردم وکشور را فدای رفاقت، همفکری ودوستان کنیم. این موضوع را ۶ ماه است که پیگیری می‌کنم اما هنوز اراده‌ای وجود ندارد که آقای وزیر تیمی تشکیل دهد تا مشکلات را بررسی واحصا کند. به نظر من چالش‌های اصلی کشور (آب وبرق) در حال حاضر زیر مجموعه وزارت نیرو است. یک فرد جوان، جسورتر وجنگنده باید باشد، با پشت میز نشستن وجلسه برگزار کردن و منتظر اعتبارات دولتی ماندن، شک نکند تنها مشکل حل نمی‌شود، بلکه مشکل حادتر خواهد شد. وقتی ۶ ماه نتوانیم آب شرب یک روستا را حل کنیم مشکلات بعدی به آن اضافه می‌شود. من فکر می‌کنم آقای وزیر نیرو باید تغییراتی در تیم اجرایی ومعاونان خود بدهد وافراد را پای کار بیاورد.

بیگدلی تأکید کرد: «متأسفانه بودجه گرفتن وتخصیص اعتبارات، روش‌های خود را دارد. وزارتخانه‌هایی هستند که از مجلس کمک می‌گیرند و از سازمان برنامه پیگیری می‌کنند، تخصیص اعتبارات خود را افزایش می‌دهند و گاه از طریق رئیس‌جمهور می‌توانند آنها را دریافت کنند.» نماینده خدابنده با اشاره به این که موضوع آب وبرق حیاتی ومعضل پایه‌ای کشور است، گفت: «برای برق از طریق سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر ایران اقداماتی انجام شده تا از این طریق سال آینده ۵هزار مگاوات برق از این منبع تولید شود. امیدوارم که انحرافاتنی که در گذشته در تخصیص بودجه، ارز وتجهیزات وجود داشت، در این برنامه ایجاد نشود. این برنامه تا عملیاتی که به تولید برق ختم شود، مسیری وجود دارد که متأسفانه در گذشته ناشفاف عمل شده وهنوز کارها سخت پیش می‌رود.»

بیگدلی در پاسخ به این سوال که با توجه به فضای مجلس به نظر شما این استیضاح رای می‌آورد؟ تأکید کرد: «استیضاح آخرین راه‌حل است و باید در بدترین شرایط به سمت استیضاح برویم. آقای وزیر اقتصاد استیضاح شد؛ چه اتفاقی افتاد؟ سه ماه هست وزیر اقتصاد نداریم. آیا شرایط اقتصادی کشور درست شد؟ خیر. بنابراین نباید احساسی، سریع وسیاسی به موضوع نگاه کنیم. البته نگاه به استیضاح وزیر نیرو خیلی سیاسی نیست بلکه نگرانی‌ها برای مسائل کشور است. ممکن است نگاه سیاسی در این استیضاح وجود داشته باشد اما نه به اندازه وزارتخانه‌های دیگر.»

عکس نوشت

خوزستان می‌چسبید به ماه

درباره عکس سعید صادقی از روز آزادی خرمشهر

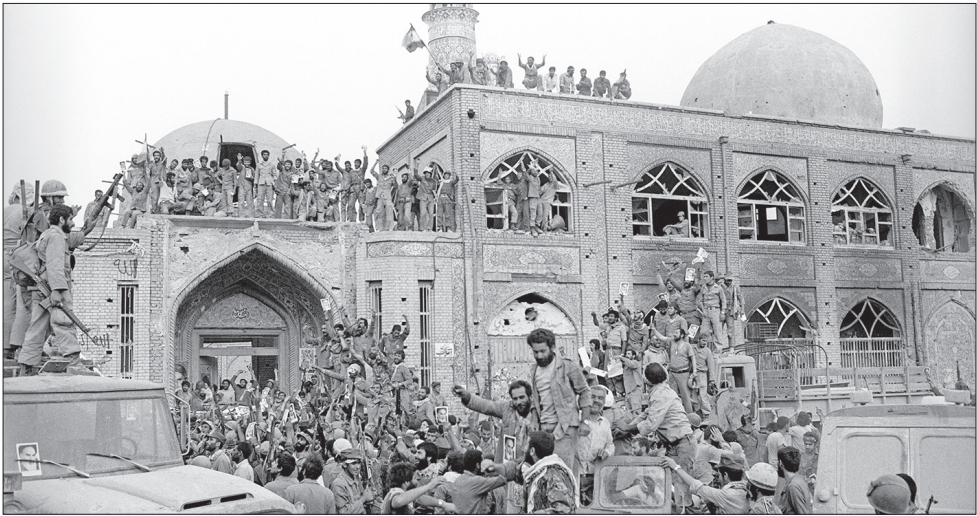
امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

وجب به وجب خمپاره و انگشت به انگشت ترکش. اگر از ماه کسی آهن‌ربای بزرگی به دست می‌گرفت خوزستان می‌چسبید به ماه.

اسم آزادی خرمشهر که می‌آید همه چیز در یک عکس خلاصه می‌شود. همان عکسی که میلیون‌ها بار در گوشه و کنار این خاک چاپ شد وزیر وبالایش هزار هزار نقل قول نوشته شد. عکسی که هر کس از ظن خود یارش شود چیزی دستگیرش می‌شود. عکس یک جورهایی شبیه مهمانی خانه مادر بزرگ است. بچه‌ها ونوه‌ها خسته از ۵۷۸روز جدایی، خسته از یک جنگ خانمان سوز دوباره به مأمن امن‌شان رسیده‌اند. به حس وحال بچه‌های درون عکس نگاه کنید. باورتان می‌شود که این بچه‌ها در همین مدت جدایی ۳۰۰۰ خواهر وبرادرشان به خانه برگشتند. به این خنده‌ها می‌آید که ۱۲۰۰۰ هزار مجروح روی دست‌شان باشد... می‌دانید چرا این عکس اینقدر به دل آدم می‌نشیند. برای اینکه همه کسانی که در این عکس هستند برای عکس گرفتن نایم‌اند. آنها آمده‌اند که بمانند. آمده‌اند که فریاد بزنند دیدیم ما نتوانستیم، ما خانه‌مان را پس گرفتیم.

سعید صادقی هم آن روز یکی از همین بچه‌ها بود. عکاسی که اینقدر از جنس بچه‌های جنگ شده بود که دیگر دوربینش برای کسی غریبه نبود. خودش می‌گوید شب قبل از آزادی خرمشهر در پشت خاکریز در «تنومه» نشست‌بوده ومی‌خواست که به خرمشهر برود. خبر آزادی همیشه زودتر از آزادی می‌رسد. اینقدر غر می‌زند که احمد متوسلیان سرش داد می‌زند ومی‌گوید: «چه کسی این غر غر را به ما داد؟» سعید اما غر نمی‌زد. می‌خواست آزادی خرمشهر را در مسجد جامع عکاسی کند. همان جایی که دو سال قبلش هم عکاسی کرده بود. باید می‌رفت و این بار خانه‌ای را که از او در دیده بودند می‌گذشت وسط عکس‌اش. اصلاً انگار برای سعید خرمشهر با این عکس آزاد می‌شد. پشت همان خاکریز اما حاج همت حواسش بود که همه بچه‌ها به آرزوهایشان برسند. روی شانه سعید می‌زند ومی‌گوید: «خود می‌رسونمت». صبح سوم خرداد خورشید سپیده زده هنوز. سعید خوابش برده. دستی روی شانه‌اش می‌خورد. حاج ابراهیم می‌گوید پاشو... سعید زیر باران توپخانه، زیر گلوله وخمپاره پشت موتور حاج ابراهیم بعد از یک بار زمین خوردن پل عرابض را رد می‌کند. ترسیده است اما چه غم؟ او ترک موتور سردار جنگ ایران نشسته است. پس چه پاک از موج بحر توپخوان گلوله دشمن که ابراهیم کشتیبانش باشد. ۴۵:۶ صبح وقتی آفتاب نورش را به روی عروس شهرهای ایران می‌انداخت سعید به خانه‌ای می‌رسد که هنوز باقی بچه‌ها نرسیده‌اند. روبه ابراهیم می‌کند ومی‌گوید «حاجی اینجا که کسی نیست». ابراهیم اما با همان لبخند قشنگش می‌گوید «تو برو بقیه هم می‌رسند». سعید صادقی ۷:۲۰ صبح سوم خرداد در حالی که هنوز بخشی از خرمشهر درگیر جنگ وخمپاره وتوپ وتانک است عکس آزادی خرمشهر را می‌گیرد.



سوم خرداد ۱۳۶۱ مسجد جامع خرمشهر/عکس: سعید صادقی